

## پی نوشت‌ها:

- ۱ - Domenico Losurdo نظریه پرداز معاصر ایتالیایی، فیلسوف و استاد دانشگاه اوربینو ایتالیا
- ۲ - esprit \ Phénoménologie de
- ۳ - Cf. D. LOSURDO, Tra Hegele Bis Marck. La rivoluzione del 1848  
ela crisidella cutura tedesca, Rome, Riunti, 1983, PO 228
- ۴ - CF. D. LOSURDO, Tra "Hegele, il Notrecht e la tradizione liberale", Hermeneutica n  
pp. III - 136, ۱۹۸۵.
- ۵ - Gallimard .B. Constant. Principes de politique. in ceuvres, Paris  
,(Bibl. de la pléiade  
p. 1146, ۱۹۵۷
- ۶ - F. A. HAYEK. The Constitution of libertr, 1960: trad, it: La  
Florence ,società libera  
vallecchi, 1969, p. 129  
ibid, P. 132 - ۷
- ۸ - Laboulave Edward
- ۹ - B. Constant, op. cit, p. 1630
- ۱۰ - F. A. HAYEK, op. cit. p - ۴۹۳.
- ۱۱ - T. H. Spencer, the principles of ethics (1879 - 1893). publ. par  
R Mchan  
Indianapolis,liberty cissies, 1978, vol. 11, p. 183
- ۱۲ - NIETZSCHE, crépuscule des dieux, "Incurions d'un inactuel".  
§ 48
- ۱۳ - F.A.HAYEK, NEW Studies in philosophr, politics, Economics  
of und the History  
Ideas,1978; trad, it: Nuovi studidi pilosofi, politica, economia e  
delle idee, ROME, ARMANDO, 1988, p. 158 staria
- ۱۴ - Id. The constitution of liberty, trad. it.cit, p. 144
- ۱۵ - ibid,p. 149
- ۱۶ - K. MARX. F. ENGELS - Werke, Berlin, Dietz, 1955 ss, vol. XXIII,  
p. 189

- des sophismes politiques et des sophismes J. BENTHAM, Traité - ۱۷  
anrchiqes, in  
E. Dumant, zème éd, Bruxelles, société Belge Oeuvres, publ. par  
librairie, 1840, vol  
۵۲۱. - I, pp 509
- K. MARX, F. ENGELS, op. cit., vol XXIII, p. 190 - ۱۸
- SMITH. An Inquiry into the Nature and causes of the A0 - ۱۹  
Ntions Wealth of  
(IX indianapolis, Liberty Classic, 1981, p. 664, (book IV, chap  
Ibid. p. 530 (book IV, chap. v. b) et p. 157 (book I, chap0 x - ۲۰  
(C  
(Ibid., p. 687 (book IV, chap. IX - ۲۱  
(chap. x.c Ibid., p. 157 (book 1 - ۲۲
- K. MARX, F. ENGELS, op. cit., vol II. p. 41 - ۲۳
- Mandeville, An Essay on chariy und charity - schools, in B. de - ۲۴  
Bees the Fable of the  
ed. by F. B. Kaye, Indianapolis. Liberty CLASSiCS, 1988, vol. I, pp  
۳۰۶. - ۳۰۵
- E. RURKE, Thoughts und Details on scarcity, in the Works - ۲۵  
londres, Rivingston  
vol. VII, p. 380 ,۱۸۲۶
- book I, chap. VII) et pp. 83 - 84 ) A. SMITH, op. cit., p. 79 - ۲۶  
(book I, chap. VIII  
(book I, chap. VIII) ۸۵ - Ibid., pp. 84 - ۲۷  
(Ibid, pp. 145 (book I, chap. X.C - ۲۸
- D. Losurdo, Hegel, Marx e la tradizione liberal, Riuniti, .cf - ۲۹  
1983, p. 92
- W. E. H. ECKY, Demcracy und Liberty (1896(, ed. by W. - ۳۰  
Indiapolis ,Murchison  
liberty Classics, 1981, vol. II, pp. 321 - 322
- HAYEK, the constitution of liberty, trad. it. cit, pp. 263 - F. A - ۳۱  
264 et 445

- A. GRAMSCI, quaderni del carcere, ed. critica a cura di v. - ۳۲  
.Einaudi, Gerratana, turin  
.p. 1477, ۱۹۷۵
- in Oeuvers J. de MAISTRE, Considerations Sur La France -۳۳  
.Comple'tes. nouv. ed  
.classique, 1884, ti.p.74 Lyon, Librairie Generate Catholique et  
Rechtspilosophie, hrsg. V. G. W. F. HEGEL. Vorlesungen Über -۳۴  
.K. H ilting  
Holsboog. 1973 ss. Vol. III, - Stuttgart , Bad Cannstatt, Frommann  
p. 98. (Souligne  
Geshichte der philosophie, in Werke Id, Vorlesungen Über die -۳۵  
.in Zwanzig Banden  
Moldenhauer und K. M. Michel, Francfort / Main, 1969 - hrsg. V. E  
/ 1979: Vel. X  
et 577 ۵۷۲ X. pp
- Id, Philosophie der Weltgeschichte, t, IV, Die Germanische -۳۶  
.Welt. Leipzig, Meiner  
.P. 920, ۱۹۲۳
- behandlungsartendes Id, Überdie Wissenschaftlichen -۳۷  
Nurrechts..., in Werke in  
II, p. 491 Zwanzig Bande, op. cit, Vol
- .K. MARX, Grundrisse der Kritik der Politischen Ökonomie -۳۸  
Berlin, Diety
- .K. MARX, F. ENGELS, Op. cit, Vol. XXXIX. P. 65 -۳۹
- La Lettre de Marx à Engels du 25 Mars 1868, ibid, Vol. .Cf -۴۰  
XXXII, P. 52
- MARX, F. Engels, Monifest der Kommunistischen Partei, in .K -۴۱  
...cit. Werke, Op
- .Vol. IV. P. 466; Id, Die Deutsche Ideologie, in Werke, Op. cit, Vol  
III, P. 60
- III, .cf. k. MARX, Das Elender Philosophie, in Werke, op. cit, vol -۴۲  
p. 60

- K. MARX, F. ENGELS, op. cit., vol. XXIII, p. 779 -۴۳  
Manifest der Kommunistischen Partei, op. cit., p. 469 ,Is -۴۴  
il Notrechte la tradizione liberale", art. ,cf. LOSURDO, Hegel -۴۵  
.cit.; ia  
Naminalismus als politische Kategorien", in D. Realismus und"  
.LOSURDO, H. J  
eds), Philosophie als Verteidigung des Guuzender ) SANDKÜHLER  
.Vernunft  
.Rugenstein, 1988, pp. 170 - 196 cologne, pahl  
XIII de G. W. F. cf. d. LOSURDO intraduction au chapite -۴۶  
HEGEL, la Filosofia  
questions sociale, Milan, leonardo, .del diritto. Diritto, proprietà  
.1989, p0 309 - 315

## زندگی پس از سرمایه‌داری

سوسیالیسم از منظری اقتصادی

نویسنده: کریس هارمن

برگردان: احمد جواهریان

جنبش نوین برای جهانی دیگر درست سه سال پیش از سیاتل آغاز شد. ویژگی این جنبش در گردهم آوردن جنبش‌های متعدد و مختلف، جدید و قدیمی بر سر مسائلی نظیر بدهی‌ها، فقر در کشورهای جهان سوم، نابودی محیط زیست، میلیتاریسم، حقوق اساسی، بیکاری، نابودی حقوق کارگران و جلب توجه آن‌ها به دشمنی مشترک با یک نظام جهانی گسترده به نام "جهانی‌سازی شرکتی" است که گرفته است.

مردم به حق از وحدت برای ایجاد جنبش عظیم چه از نظر کمی و چه کیفی در پوست خود نمی‌گنجیدند. این جنبش بین‌المللی‌تر از هر جنبشی است که از دهه ۱۹۷۰ به بعد دیده شده. این ویژگی است که باعث می‌شود جنبش از سیاتل به پورت الگره و از مجمع اجتماعی جهانی در پورت الگره به مجمع جنوا فراروید. همین توانایی است که باعث می‌شود جنبش از شوک ۱۱ سپتامبر بیرون بیاید و تظاهرات عظیم علیه نظام جهانی و جنگ را در سال گذشته در بارسلون، سویل، فلورانس و سراسر جهان برپا دارد.

این پیروزی ما را بر آن می‌دارد که از طریق بحث‌های دوستانه مشخص سازیم برای چه مبارزه می‌کنیم و علیه چه چیزی اقدام می‌نمائیم. این بسیار مهم است. از

در دفاع از سوسیالیسم

یک سو با خطر جنگ و واقعیت بحران اقتصادی فاجعه بار در سراسر جهان و به ویژه در سال گذشته در آرژانتین مصادفیم، و از سوی دیگر جنبش عظیم ضد جنگ و گرایش به چپ در آمریکای لاتین مانند لولالا<sup>۱</sup> در برزیل، گاتیرز<sup>۲</sup> در اکوادور، و چاوز در ونزوئلا را شاهدیم.

در بحث سیاتل و پس از آن سه روش برای تشریح صریح آنچه ما برله و آنچه برعلیه آنیم، و اینکه چه بدیل‌هایی را در پیش رو داریم مطرح شده است.

### جهانی‌سازی و تمرکزگرایی

ابتدا کانون توجه را به جهانی‌سازی معطوف می‌سازیم و سپس بدیل آن را حرکت به سوی تمرکزگرایی تولید، به ویژه حمایت از کشاورزی، موسسات و مشاغل محلی و در نهایت فراخوان برای چیزی که یکی از مولفین بریتانیایی آن را "حمایت‌گرایی جدید" می‌نامد.

طرفداران این نگرش نقدهایی جدی از نظام موجود کرده‌اند. آن‌ها اذعان می‌دارند که این چیزی جز اتلاف منابع و ایجاد آلودگی در اثر حمل و نقل کالاهایی است که می‌تواند در محل تولید شود و از آن سر دنیا آورده نشود. این روش تولید انبوهی است که به وسیله موسسات زراعی بزرگ بدون توجه به شرایط محلی با حذف مهارت‌ها و دانش‌های محلی در سراسر جهان به کار گرفته می‌شود و در نهایت به نابودی زندگی مردم می‌انجامد.

اما این نگرش سئوال‌های مهمی را بی پاسخ می‌گذارد.

تکیه بر کشاورزی محلی همواره مردم را در معرض خطرانی نظیر شرایط آب و هوایی، خشک‌سالی و سرمازدگی و آفات قارچی و حشره‌ای قرار داده است. در بسیاری از نقاط دنیا غیرممکن است که بدون تکیه به محصولات وارداتی از خارج رژیم غذایی مناسبی را سازمان داد. همچنین مناطقی وجود دارند که طی قرن‌ها به طور جدی برای تولید محصول خاصی (نظیر نیشکر، قهوه، چای، شراب، گندم، برنج و گوشت) سازمان‌دهی شده‌اند که تکیه کردن فقط بر تولید کشاورزی داخلی ممکن است موجب دشواری‌های جدی و جابه‌جایی اقتصادی شود. این مسائل همچنین در

مناطق صدق می‌کند که کارگران آن شدیداً به شغل‌های موجود در صنایع غول پیکر وابسته‌اند.

به علاوه این‌که اگر در جایی تکیه بر تولید داخلی قدمی به پیش قلمداد شود، این خط مشی به هیچ عنوان با محدودیت‌هایی که بر سر مردم از سوی سیستم‌های گسترده‌تر تحمیل شده مانند فشار حاصل از بدهی یا آسیب وارده به محیط زیست به واسطه پدیده گلخانه‌ای (که خشک‌سالی، طوفان و سیل‌های بسیاری را باعث شده) نمی‌تواند مقابله کند. این خط مشی هم‌چنین نمی‌تواند جلوی جنگ‌هایی را بگیرد که هر نیرویی چه آمریکا چه مثلاً هند و پاکستان راه می‌اندازند. این روش هم‌چنین برای مقابله با تخریب حاصل از داد و ستدهای کوچک و متوسط کارایی ندارد. هیچ شاهدهی مبنی بر اهمیت دادن واحدهای تجاری کوچک به رفاه عمومی مردم و یا اثرات عمل‌کردشان بر محیط زیست وجود ندارد. در واقع آن‌ها در خط اول حرکت‌های سیاسی جناح راست و جنبش‌های ضد اتحادیه‌ای قرار دارند. معمولاً توجه به منافع تجارت بزرگ سرآغازی برای انجام معاملات پرسود با آن است.

به این دلایل "تمرکزگرایی" به خودی خود استراتژی مناسبی برای جنبش نیست.

### حکومت و نولیبرالیسم

نگرش دوم دشمن را مجموعه سیاست‌های اقتصادی‌ای می‌داند که طی ۳۰ سال اخیر به وسیله بیشتر دولت‌ها کوچک و بزرگ تحت نام نولیبرالیسم مورد پذیرش قرار گرفته و در "توافق‌نامه واشنگتن"<sup>[3]</sup> تبلور یافته است.

این نگرش مدعی است که اقتصاد جهان و بیش‌تر بخش‌های تشکیل‌دهنده آن طی دوره ۱۹۷۴ - ۱۹۵۴ بسیار سریع‌تر از سه دهه اخیر رشد کرده است. در دوره اول حکومت‌های ملی هدایت و کنترل کامل اقتصاد ملی را در دست داشتند، اما برعکس طی ۳۰ سال اخیر لغو گسترده قوانین دولتی و به ویژه کنترل جدی جریان پول از مرزها، راه هر کوششی برای کنترل جریان روزانه مالی در سطح ملی را بسته است. بنابراین تمرکز جنبش باید بر ایجاد کنترل دولتی بر جریان‌های مالی - با اولویت قائل شدن برای مالیات توبین<sup>[4]</sup> - و مقاومت در مقابل ایجاد تجارت آزاد بوسیله سازمان تجارت جهانی باشد.

این شیوه برخورد نسبت به "تمرکزگرایی" برتری‌هایی دارد که عبارت است از :  
- بر تصویر کلان توجه دارد، یعنی بر آنچه شرکت‌های فراملی و دولت‌ها خود را با آن هماهنگ می‌کنند.

- این شیوه برخورد در مورد توزیع ثروت و درآمد اقتصادی جهان، سنگینی و فشار بدهی‌ها، گسترش فقر در مناطق مختلف، رشد بیکاری در سراسر جهان، کالاشدگی جریان زندگی بشر سنوال‌هایی را برمی‌انگیزد. اما با این وجود نقاط ضعف آشکاری دارد.

شاید اقتصاد در دوران پیش از گسترش نولیبرالیسم از رشد بالاتری نسبت به زمان کنونی برخوردار بوده باشد، اما به طور قطع برای توده‌های مردم دورانی طلایی نبوده است. طی این دوره اتفاقات زیر در جهان به وقوع پیوست: حاکم شدن نظامی‌ها در آمریکای لاتین، وقوع دو جنگ بین هند و پاکستان و پدید آمدن قحطی در برخی از مناطق شبه قاره هند، افزایش بسیار زیاد هزینه نظامی در کشورهای پیشرفته صنعتی، وقوع یک سری جنگ‌های امپریالیستی نظیر فرانسه علیه ویتنام و الجزایر، آمریکا علیه ویتنام، و حمله اتحاد انگلو - فرانسوی به مصر، حاکم شدن دیکتاتوری در کره جنوبی، تایوان و سایر کشورهای جنوب شرقی آسیا مشهور به ببرها، وقوع قحطی گسترده در چین در بین سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۰ و آشوب‌های حاصل از "انقلاب فرهنگی" و ادامه ظلم رژیم استالینی بر اروپای شرقی و روسیه.

تازه این همه جریان نیست. نولیبرالیسم نه تنها با مقاومت مدل‌های اقتصادی از قبل حاکم روبرو نشد، بلکه این مدل اقتصادی زمانی ریشه گرفت که مناطق مختلف جهان یکی بعد از دیگری با بحران روبرو شدند. بحران اقتصادی جهانی در اواسط دهه ۱۹۷۰ و پیش از آن به وقوع پیوست که کشورهای اروپایی سیاست نولیبرالی را در پیش گیرند.

قبل از آن که روسیه و اروپایی شرقی به سیاست بازار روی آورند، رکود اقتصاد آن‌ها را دچار مصیبت کرده بود. در آرژانتین پیش از این که رژیم نظامی اواخر دهه ۱۹۷۰ تبدیل به رژیمی طرف‌دار نولیبرالیسم شود، مدل وارداتی توسعه اقتصادی علائم بحران را از خود نشان داده بود.



نولیبرالیسم پاسخ به بحران‌هایی بود که شرایط را سخت‌تر و بدتر می‌کرد. این چیزی نبود که در کشورهای بدون مشکل، بحران بیافریند. به همین دلیل است که معمولا همان مداخله جویان سابق در احزاب حاکم و پشتیبانان آنها یا افرادی از درون حکومت‌های پوپولیستی و احزاب مختلف در آمریکای لاتین، یا احزاب سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی اروپای غربی، از استالینیست‌های معروف قدیمی در اروپای شرقی و جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق معرفی‌کنندگان نولیبرالیسم بودند. بازگشت به مدلی که خودش در بحران، بیکاری و فقر به اوج خود رسیده بود، و با پاسخ نولیبرالیسم روبرو شد برای بحرانی که امروزه با آن روبرو هستیم، بدیل مناسبی نیست.

و اما خطرهایی در این مدل وجود دارد:

- این مدل بر نقش دولت‌های موجود تاکید می‌کند. اما دولت‌های موجود نیز درست به همان اندازه شرکت‌های فراملی دشمن مسائلی هستند که ما برای آنها مبارزه می‌کنیم. اقدامات حکومت ایتالیا در جنوا و عمل‌کرد امروزه آمریکا و انگلیس دلیلی بر این مدعاست.

- علاوه بر این، اکثر اوقات گرایشی وجود دارد که تنها سرمایه مالی را دشمن می‌بیند نه سرمایه صنعتی را و به همین دلیل تاکید بر بستن مالیات توبین دارد که تقریبا منحصر بر سرمایه‌های مالی اعمال می‌شود. اما سرمایه صنعتی هم به اندازه سرمایه مالی مضر است. موارد نئوز اینترناشنال [1] (امپراطوری ماردوک [2])، مونسانتو [2]، مایکروسافت، بوئینگ و یا شرکت‌های دارویی این مهم را نشان داده است. هر جا استراتژی تکیه بر سرمایه صنعتی علیه سرمایه مالی تجربه شده، سرآخر به این منجر شده که با شرکت‌های مالی و شرکت‌های فراملی هم مانند سرمایه‌های صنعتی سازش شود. و این بدین علت است که امروزه سرمایه‌های صنعتی در همه جا به میزان کم و یا زیادی به ائتلاف خود با سرمایه‌های مالی وابسته‌اند.

- و آخرین نکته مهم این‌که: آن‌هائی که پیش‌نهاد "ائتلاف ملی" با سرمایه‌های محلی و صنعتی را می‌دهند، مسلما به محدود کردن اصلاحات عمومی‌ای کار را ختم می‌کنند که قولش را به مردم داده بودند و این هزینه‌ای برای به دست آوردن حمایت سرمایه‌داران "ملی" و یا درحال "رشد" است که درآمد آنها پنجاه و یا حتی صد برابر

## در دفاع از سوسیالیسم

درآمد توده‌های مردم است. این یعنی کسانی که این چنین ائتلافی را ایجاد می‌کنند، به توده مردم چیز بسیار اندکی را پیش‌نهاد می‌دهند - که اکثراً هم با درخواست "فداکاری" از مردم به پایان می‌رسد. این یک گرایش سوسیال دموکراتیک کلاسیک و یا پوپولیستی است که حتی در زمان شکوفا شدن سیستم جهانی پوسته نازکی را تشکیل می‌داد. و به همین دلیل نمی‌تواند شیوه برخورد جنبشی جهانی باشد که دارد در مبارزه با بحران‌ها و جنگ رشد می‌کند.

### بدیل خلاقانه سوسیالیستی

اگر قصد داریم بر تمامی این مسائل فائق آئیم، باید بدانیم که این نوعی خاص از سرمایه‌داری نیست که مقصر است، گناه از خود سرمایه‌داری است.

سازمان دادن تولید توسط صاحبان ابزار تولید رقیب با استثمار کارگران حقوق‌بگیر الزاماً منجر به حاکم شدن جوی غیرانسانی، فقر، اتلاف منابع و تخریب محیط زیست می‌شود، زیرا آن‌ها تنها در جستجوی سود هستند. این یک حقیقت است چه در زمانی که صاحبان سرمایه حول دولت مداخله‌جو خود را سازمان‌دهی می‌کنند، چه اکنون که مدل نولیبرالیسم را پذیرفته‌اند.

بنابراین مبارزه برای "دنیایی دیگر" نمی‌تواند تنها با طرد صحیح سیاست‌های نولیبرالی پایان یابد.

ما باید فراتر رویم و بر سر کنترل بر ابزار تامین‌کننده امرارمعاش نوع بشر با طبقه حاکم به چالش پردازیم.

نمی‌توان این مبارزه را به صورت مدل‌های قدیمی سوسیال دموکراتیک، استالینیستی و یا پوپولیستی که حرکتی از بالا بود پیش برد. باید آن را در میان توده‌های مردم جست که تولید ثروت و مبارزه می‌کنند تا کنترل بر ابزار تولید یعنی کارخانه‌ها، ادارات، اسکله‌ها، معادن، مراکز کامپیوتری، مستغلات و غیره را به دست بگیرند و آنگاه شروع به سازمان‌دهی تولید براساس نیاز و نه سود کنند. شرط اولیه برای انجام چنین کاری به دست گرفتن کنترل شرکت‌های بزرگی است که دست بالا را در زمینه تولید دارند.

به ما گفته شده که دیگر سیاست‌های مبتنی بر برنامه‌ریزی ممکن نیست. اما تمامی این شرکت‌های غول پیکر هم اکنون نیز به منظور رقابت با یکدیگر، برنامه‌ریزی‌های تولیدی دقیق و پیچیده‌ای دارند.

برای مثال، در حال حاضر چهار فروشگاه زنجیره‌ای غول پیکر فروش مواد غذایی بریتانیا را در دست دارند و به واسطه این تسلط بر بازار دارای نفوذی قوی در کشاورزی بریتانیا و صنایع غذایی آن می‌باشند. آن‌ها پیشاپیش برای ماه‌ها و حتی سال‌ها تولید انواع مواد غذایی خاص را برنامه‌ریزی می‌کنند، اما این برنامه‌ریزی در راه سود بیش‌تر است نه راحتی مردم. می‌توان انتقال انقلابی‌ای را تصور کرد که طی آن کنترل فروشگاه‌های زنجیره‌ای و مکانیزم برنامه‌ریزی آن‌ها به پائین منتقل و مردمی شود به طوری که بین تمامی صنایع جو هم‌کاری و هم‌پاری به جای جو رقابت به وجود آید.

این دیدگاه می‌تواند برای تمامی بخش‌های اصلی اقتصاد تعمیم داده شود. این بدین معنا نیست که کسی پیشاپیش سعی کند میزان تولیدی را که هر واحد تولید صنعتی تولید خواهد کرد، پیش بینی کند، نکته‌ای که منتقدین با "غیرممکن" دانستن "برنامه‌ریزی سوسیالیستی" بر آن دست می‌گذارند، (این چیزی بیش از آنچه امروزه در شرکت‌های بزرگ صورت می‌گیرد، نیست) بلکه به این معناست که تمامی برنامه‌های سرمایه‌گذاری صنایع بزرگ با روش کنترل مردمی مورد بررسی قرارگیرد تا اطمینان کسب شود که تولید آن‌ها براساس نیاز بشر است. چنین کنترل مردمی‌ای می‌تواند از طریق انتخابات، با قابلیت لغو مسئولیت‌ها، از بین آن‌هایی صورت گیرد که کار آنان مستقیم و یا غیرمستقیم ثروت را در جامعه تولید می‌کند. باید متذکر شد که این با ارائه مجوز به اعضای دموکرات برای تصمیم‌گیری درباره مزاد درآمد شرکت‌های بزرگ، آن هم بعد از این‌که سرمایه‌داران بزرگ تصمیم خود را برای هزینه کردن و سرمایه‌گذاری به طریقی کاملاً غیرمردم‌سالارانه گرفته و دولت هم تعهد پرداخت بهره وام آن‌ها را هم کرده باشد، کاملاً متفاوت است. کنترل بر تصمیم‌های مهم اقتصادی تفاوت فاحشی با مشارکت در تصمیم‌هایی دارد که دیگران برای مردم می‌گیرند.

## در دفاع از سوسیالیسم

وقتی چنین تصمیم‌های مهمی گرفته شد، گردانندگان تعاونی دموکراتیک کارگران در هر واحد تولیدی می‌توانند در این که تولیدشان چه خواهد بود به توافق برسند. پت دوین<sup>[8]</sup> راه شکل دادن به این شیوه تفکر را ارائه داده است.

در هر مدل سوسیالیستی سه چیز باید مورد تاکید قرار گیرد:

۱- این مدل در تقابل مستقیم با برنامه‌های پیاده شده از سوی سوسیال دموکرات‌ها، رژیم‌های استالینیستی و پوپولیستی است. آن‌ها هیچ‌گاه برنامه‌های خود را به صورت کنترل واقعی مردمی اجرا نکرده‌اند. کارگرانی که محصولات صنعتی را تولید می‌کردند آخرین کسانی بودند که در مورد چه چیز و برای چه هدفی تولید می‌شود، با خبر می‌شدند. و به همین دلیل بود که این رژیم‌ها در حالی که توانمندی تولید ابزار تولید افزایش می‌یافت، دچار رکود اقتصادی و یافت سطح زندگی شدند. کارل مارکس در مانیفست کمونیست بین دو چیز تفاوت جدی قائل بود: آنچه در جامعه سرمایه‌داری یعنی نظامی که در آن "کارگران چیزی به جز ابزار افزایش نیروی کار انباشته نیستند" اتفاق می‌افتد و آنچه در "جامعه کمونیستی" که کارگران چیزی به جز وسیله‌ای برای گسترش، غنا، و ارتقا نیروی کار موجود نیستند، تفاوت قائل شده است. با این معیار، "کمونیست"، کینزین، سوسیال دموکرات و رژیم‌های پوپولیستی در مدار سرمایه‌داری قرار دارند و آنچه هدف ما است چیزی کاملاً متفاوت است.

۲- نمی‌توان به کمک اصلاحات در سیستم پارلمانتاریستی و یا ساختار دولتی موجود به این هدف دست یافت. به این هدف تنها با یورش به قدرت بخش اصلی طبقه سرمایه‌دار می‌توان رسید و این بدون خیزش توده‌ای از پائین که تمامی سطوح قدرت در جامعه را به چالش بطلبد، غیرممکن است. پتانسیل چنین یورش‌های زمانی که کارگران کارخانه‌های خود را اشغال می‌کنند و به مقاومت در مقابل دولتی می‌پردازند که می‌خواهد کارخانه را از آن‌ها بازپس گیرد، به نمایش گذاشته می‌شود، هرچند که این تلاش سال‌ها پیش در ابعادی تقریباً کوچک‌تر، در نقاطی از آرژانتین صورت گرفته باشد.

سوما، فقط زمانی این بدیل می‌تواند موفق باشد که از پیروزی‌های اولیه در یک کشور به سایر نقاط دنیا گسترش یابد. تاریخ تلاش "سوسیالیسم در یک کشور" نشان داده است که این مسیر به بن بست می‌رسد. سرمایه‌داری به عنوان سیستمی

بین‌المللی توزیع نابرابر منابع بین‌المللی و در کنار آن تقسیم بین‌المللی کار را ایجاد کرده است. کسب پیروزی در یک کشور می‌تواند به معنای کسب پیروزی در تنها در یک جبهه باشد شکست را به دنبال خود دارد و نه گسترش خیزش‌ها را.

این بدان معنی نیست که خیزش در یک کشور برای توده‌های مردم آن کشور در کوتاه مدت منافی دربر نداشته باشد. در شرایط بحران اقتصادی حاد، ثروت ایجاد شده در یک کشور می‌تواند به میزان زیادی پائین‌تر از سطح واقعی خود باشد. در چنین شرایطی انتقال انقلابی، از جمله بازتوزیع ثروت عمومی و بسیار ثروتمندان در سطح توده‌ها می‌تواند سطح زندگی مردم را ارتقا دهد. اما برای ادامه حیات این روند نیاز به سطح جدیدی از تقسیم بین‌المللی نیروی کار است که بیش از یک کشور را در برگیرد. و این بدون گسترش انقلاب امکان‌پذیر نیست.

یکی از مسائل بسیار مهم جنبش بعد از سیاتل نشان دادن گستردگی مخالفت جهانی با سیستم موجود است و نیز ترویج این درک که تغییرات انقلابی در یک کشور می‌تواند به جنبش‌های انقلابی در سایر نقاط جهان دامن زند.

## توضیح:

دفتر شماره ۹ در دفاع از سوسیالیسم از منابع زیر فراهم شده است. مقاله «اقتصاد مشارکتی یک الترناتیو اقتصادی» نوشته مایکل البرت از سایت روشنگری؛ «نوسازی سوسیالیستی» نوشته پات دوین و فکرت آدن از مجله اقتصاد سیاسی رادیکال؛ «چه بدیلی برای سرمایه‌داری؟» نوشته پری ندرسون از کنگره بین‌المللی مارکس منتشر شده در اولین دفتر اندیشه و پیکار؛ «فرهنگ و ارزش‌های سوسیالیستی» نوشته جیمز پتراس از مجله چیستا؛ «مارکس منتقد برابری‌گرایی است» نوشته آلن وود و «برابری و مسئله‌های آن» نوشته دومنیکو لوسوردو از سایت نگرش و «زندگی پس از سرمایه‌داری» نوشته کریس هارمن از سایت فرهنگ و توسعه برگرفته شده است

ABADIS  
LIBRARY

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# Bidar

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)